

# نقد و بررسی

## کتاب فرزانه ۱۲

نقد و بررسی کتاب فرزانه، برای معرفی کتابهای برجسته ایرانی و خارجی و درج مقالات فرهنگی - اجتماعی مناسب، به صورت ویژه نامه بخارا منتشر می شود و اداره امور تحریری آن بر عهده هیئت تحریریه برگزیده شده از سوی «مؤسسه نشر و پژوهش فرزانه روز» است.



سهرودی شمالی، کوچه شهرتاش، پلاک ۷۳، تهران ۱۵۵۹۷

تلفن: ۸۷۶۸۵۲۲؛ فاکس: ۸۷۶۶۳۲۵

صندوق پستی: ۱۹۶۱۵-۵۷۶

E-mail: farzan@www.dci.co.ir

نشانی ما در اینترنت:

<http://www.apadana.com/farzan>

# ۱۲ کتاب فرزانه

تحت نظر هیئت تحریریه

با همکاری: هرمز همایون پور

مدیر اجرایی و فنی: علی دهباشی

این ویژه‌نامه، به صورت متناوب، به پیوست نشریه بخارا منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

● مقالات: القباوی ارمنی / دکتر منوچهر ستوده؛

؛ قدرت یک قلم، شرح حال ماهایس و تا دوی، نویسنده

هندی / هرمز همایون پور

● خاطرات فرهنگی: گفتگوی علی جواهرکلام با محمدخان قزوینی / فرید جواهرکلام

● در این دنیا بزرگ: لهستان و دفاع از زبان لهستانی در برابر زبان «لهگلیسی»؛ افتتاح

گالری هنرهای مدرن در موزه تیت لندن؛ قرن جدید، استادان هنر قدیم / آزاده همایون پور

● کتابهای خارجی: خاطرات آخرین ولیعهد قاجار / پال اسپراگمن؛ آشتی ملی: کمیسیون

حقیقت یاب در آفریقای جنوبی؛ معمای مردم: هوگو چاوز و دگرگونی ونزوئلا؛

● کتابهای داخلی: درد جاودانگی / صالح حسینی؛ ترانه‌های محلی فارسی؛ شبهای

زیبای ایران ● تازه‌های فرزانه

پس از فوت آسپوراکس - اسقف اعظم - ساهاک پسر نرسیس اعظم پسر آتاناگینس پسر هوسیک پسر ورتانس پسر گریگور مقدس که نیاکان او از قوم سورن پهلوی بودند به جانشینی او منصوب گردید. ساهاک شصت تن شاگرد روحانی خرقه پوش که کمربندهای آهنین داشتند و پیاده درگشت و گذار همراه او بودند، انتخاب کرد. اینان آیین نیایش روحانی را انجام می دادند و مواظب امور مملکت نیز بودند.

مسروپ درباره حروف هجای خط ارمنی به او مراجعه کرد و دریافت که ساهاک بیشتر از خود او مشتاق تهیه حروف الفبای ارمنی است. پس از تحمل رنج و مشقت زیاد کارشان به نتیجه نرسید، از یکدیگر جدا شدند و مسروپ به کنج خلوت خود رفت و تسلیم دست توانای قضا و قدر شد.

در این میان ساهاک به تیسفون رفت تا خود را به دربار اردشیر برساند و از شاه بخواهد تا هامازاسپ - دامادش - را سپه سالار ارمنستان کند و اقوام کامساران و اماتونی را که با اردشیر مخالفت کرده و در محلهای نامعلومی آواره بودند ببخشد و اجازه دهد تا به سرزمین خود باز گردند. اردشیر خواهشهای او را پذیرفت و دربار ایران هم او را محترم داشت و تکریم بسیار کرد، چه ساهاک خون ایرانی داشت و نسب او به خاندان اشرافی پهلویک می رسید. سفارش نامه ای هم به پادشاه ارمنستان - ورام شاپور نوشت تا خواستهای ساهاک را جامه عمل بپوشاند.

زمانی نگذشت که اردشیر - پادشاه ایران - وفات یافت و بهرام مُلقَّب به «کرمان» به جانشینی او بر تخت نشست و ده سال پادشاهی کرد. در این ده سال نیز روابط دوستانه ایران و ارمنستان برقرار بود. ورام شاپور تحت تابعیت دو پادشاه بر خاک ارمنستان حکمروائی داشت و باج و خراج حصه ایران را به بهرام می داد و حصه یونانیان را به آرکادیوس می پرداخت.

### الفبای دانیال

در همین ایام آرکادیوس بیمار شد. او هوانس اعظم معروف به «زرین پنجه» را از خاک بیزانس بیرون رانده بود. به این سبب در خاک بیزانس اغتشاش و آتش سوزیهای دامنه داری برپا شد. امپراطوری یونان به تشویش و اضطراب افتاد. سپاهیان علیه یکدیگر و علیه ایرانیان می جنگیدند. بهرام - پادشاه ساسانی - به ورام شاپور دستور داد تا به بین النهرین رود و اختلافاتی که میان حکمرانان دو طرف بروز کرده برطرف کند. ورام شاپور به علت نداشتن منشی به زحمت توانست آتش جنگ را فرونشاند. از روزی که مسروپ دربار ارمنستان را ترک کرده بود او نتوانسته بود منشی مطلعی پیدا کند. چون منشیان ارمنی خط ایرانیان را به کار می بردند.

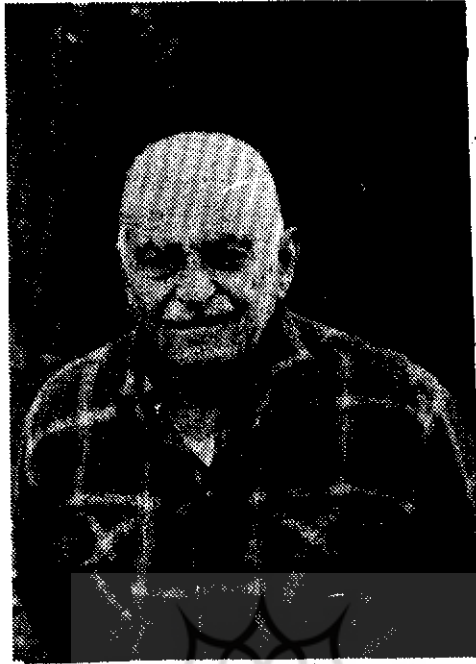
در همین زمان کشیشی «هابل» نام به خدمت ورام شاپور رسید و به او قول داد تا بر اساس الفبائی که دانیال - از خویشان او - تنظیم کرده بود حروف هجای ارمنی را ایجاد کند.

ورام شاپور توجهی به این مسئله نکرد و پس از برقراری صلح و آرامش به ارمنستان بازگشت. پس از رسیدن به ارمنستان دید که تمام اسقفها نزد ساهاک اعظم و مسروپ گرد آمده و در فکر ایجاد الفبای ارمنی هستند. ورام شاپور جریان «هابل» و «دانیال» را برای ایشان نقل کرد. اسقفها پس از شنیدن این خبر به التماس افتادند که شاه به این امر حیاتی توجهی بکند.

سخن اسقفها در ورام شاپور مؤثر افتاد و او مردی را به نام «واهریج» که از خاندان «خادون» و در دربار محترم و مکرم بود و خود به ایجاد خط علاقه مفراط داشت به عنوان سفیر نزد «هابل» فرستاد. واهریج همراه هابل نزد دانیال رفتند و الفبای دانیال را که مدتی پیش از روی حروف الفبای یونانی تنظیم شده بود مورد بررسی قرار دادند و رونویسی از آن را به ارمنستان آورده و به ساهاک اعظم و مسروپ دادند. ساهاک و مسروپ پس از فرا گرفتن آن الفبا به تعلیم آن نیز پرداختند ولی متوجه شدند که جوابگوی تلفظ ارمنیان نیست.

### الفبائی که مسروپ ساخت

مسروپ که به کم و کاستی الفبای دانیال پی برد و آن را قابل تعلیم ندید خود رهسپار بین النهرین شد و پس از ملاقات دانیال چیزی بیشتر از پیش نیافت. به «یدسیا» رفت تا «پلاتون»



● دکتر منوچهر ستوده (عکس از علی دهباشی)

رئیس دیوان «یدسیا» را ملاقات کند. پلاتون او را به خشنودی پذیرفت و پس از شنیدن اظهارات مسروپ، هر چه کلمات ارمنی به ذهنش می‌رسید یادداشت می‌کرد و در این امر ذره‌ای کوتاهی نکرد اما کارش به نتیجه نرسید و به ناتوانی خود اعتراف کرد. به یادش آمد که در گذشته معلمی فاضل و دانشمند به نام «پپیائس» داشت که تألیفات بلغا و فصیحی را از دیوان «یدسیا» برداشت و از اینجا رفت و به کیش مسیح گروید. این مطلب را به مسروپ گفت که اگر او را بیایی آرزوی تو را عملی خواهد کرد.

مسروپ به یاری اسقف «باییلوس» از راه فنیقیه روانه «ساموس» شد. خیر یافت که «پپیائوس» رخت از جهان بر بسته و شاگردی به نام «هروپانس» داشته که امروز در «سامس» گوشه‌نشین شده است. مسروپ نزد او رفت ولی چیزی از او عایدش نشد مسروپ که درها را به روی خود بسته دید، ناچار زانوی عجز به درگاه خداوند بر زمین زد و به دعا و عبادت پرداخت. مسروپ چیزی دید که نه رؤیای در خواب بود و نه شیخ در بیداری، پنجه یمین بر او ظاهر شد و بر لوحه‌ای سنگی حروف را می‌نوشت و خطوط اثر خود را بر لوحه سنگ چون بر روی برف باقی می‌گذاشتند. تمام جزئیات حروف به ذهن مسروپ باقی ماند. پس از اتمام دعا حروف هجای ارمنی را ایجاد کرد و با همکاری «هروپانوس» این حروف را با اصوات حروف یونانی همگون کرد.

سپس با همکاری شاگردان خود «هُوهان» و «یکقیائُس» و «هُوسپ» و «پاقین» به کار ترجمه شروع کردند و نخستین کتاب که در دست گرفتند، «پند و امثال حضرت سلیمان» بود تا بیست و دو مجلد کتب مذهبی و عهد جدید انجیل شریف را به زبان ارمنی ترجمه کردند. در ضمن کار، مسروپ دستور داد تا نوشتن را به شاگردان مستعد تعلیم دهند.

### الفبای ارمنی و گرجی و آقوانی

پس از مرگ «آرکادیوس» - حکمران بیزانس - پسرش - «تئودوس صغیر» به جانشینی او بر تخت نشست. تئودوس نیز روابط دوستانه قدیم را با ارمنستان و ورام شاپور حفظ کرد ولی حصه باج و خراج خود را به ورام شاپور واگذار نکرد بلکه گردآوری آن را به فرمانروایان خود واگذار کرد و با یزدگرد - پادشاه ایران - پیمان صلح منعقد نمود. در همین اوقات مسروپ از سفر دور و دراز خود بازگشته و الفبای خط ارمنی را آورده بود. به فرمان ورام شاپور و ساهاک اعظم، شاگردانی از میان کودکان باذکاوت و تندرست و خوش آواز و پر نفس انتخاب کردند و الفبای ارمنی را به آنان آموختند. در تمام ایالات مدارس تشکیل دادند و در سراسر حصه ایرانیان از ارمنستان به تعلیم پرداختند این مدارس در حصه یونانیان برپا نشد چون تابع کرسی کساریا بودند و خط و زبان سریانی در آنجا متداول نبود، بلکه ایشان مجبور بودند خط و زبان یونانی را به کار برند.

۳۵۱

پس از تنظیم و تعلیم الفبای ارمنی، مسروپ به گرجستان رفت و با همکاری «جاساق» که مترجم زبان یونانی و ارمنی بود و با یاری «باکور» - پادشاه گرجیان - و مؤسس - اسقف اعظم - برای ایشان نیز الفبا درست کرد و دو دسته شاگرد انتخاب کرد و آن دو دسته را زیر نظر دو نفر از شاگردان خود «ترخورزنی» و «موشه تاژنی» قرار داد.

از آنجا به سرزمین آقوانک نزد «آرسواق» - پادشاه آنها - و سر اسقف پرمیا - رهسپار شد. آنها با رضا و تسلیم تعلیمات او را پذیرفتند و شاگردانی برای تعلیم برگزیدند. مسروپ بنیامین نامی را که مترجم با استعدادی بود، به کمک خواست. «واساک» - فرمانروای جوان سیونیک - آن مترجم را همراه اسقف خود «آنانیا» فرستاد. مسروپ به یاری ایشان برای زبان پر از اصوات حلقی و خشن و زمخت و ناموزون گرگها الفبا ایجاد کرد و شاگرد خود - «هُوناتان» را به عنوان ناظر و مراقب در آنجا گذاشت و روی به ارمنستان آورد. در آنجا دید که ساهاک اعظم مشغول ترجمه کتاب مقدس از زبان سریانی است زیرا نسخه یونانی آن را بدست نیآورده بود. چون مهر و ژان کتب یونانی را در سراسر ارمنستان سوزانده بود و پس از تقسیم ارمنستان به دو بخش، حکمرانان ایرانی در حصه خود به هیچ کس اجازه آموزش زبان یونانی را نمی دادند، فقط خواندن زبان سریانی مجاز بود. (خلاصه شده از تاریخ ارمنستان تألیف مؤسس خورناسی صفحات ۲۵۹ تا ۲۶۷)